


تحلیلی بر تأثیر گرایش‌های محلی/طایفه‌ای بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

(نمونه پژوهی: دهمین دوره انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی)



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/pg.2022.27155.0>

پژوهشی

محمدرضا حافظ نیا (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،)

hafezn_m@modares.ac.ir

هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول)

aazami@um.ac.ir

وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

vahidsadeghi86@yahoo.com

سید محمدحسین حسینی (دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mh.hossein25@yahoo.com

چکیده

بخش عمده‌ای از کنش و منش انسان تابع برداشت و ادراک محیطی آن‌هاست. اشتراک در برداشت از منافع و مصالح گروه به رفتار اجتماعی و سیاسی آن‌ها معنا می‌بخشد. در این میان، طایفه به‌عنوان یک واحد زیستی/فرهنگی که منافع و مصالح کلان گروه در قالب آن نمود می‌یابد به کنش طایفه‌گرایانه می‌انجامد به‌گونه‌ای که اعضاء ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند. در جغرافیای انتخابات وجود طایفه‌گرایی ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی در مطلوب‌های مؤثر بر رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص به‌عنوان پایگاه رأی آوری است. پژوهش حاضر که ماهیتی کاربردی دارد بر این فرض استوار است که در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی گرایش‌های محلی/طایفه‌ای مؤثرترین عامل در خلق پایگاه رأی آوری نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی بود به‌گونه‌ای که، پایگاه رأی آوری نامزدها در این حوزه بیش از آنکه تابع فرآیند کلان دموکراسی باشد، درون‌مایه‌ای خویشاوندی و در قالب بازتولید هم‌آوردی‌های سنتی طایفه‌ای نمود یافت. داده‌ها و یافته‌های موردنیاز پژوهش حاضر نیز به روش اسنادی (کتاب، نشریات و اینترنت) و میدانی (مشاهده و مصاحبه) گردآوری شده و با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استفاده از نرم‌افزار GIS و Excel به تحلیل و کاوش داده‌های برگرفته از آمار دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. نتیجه پژوهش نشان داد که خاستگاه آراء زادگاهی و طایفه‌ای نقش مؤثری در رأی آوری نامزدهای انتخاباتی دهمین دوره انتخابات حوزه یادشده داشته است.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، هویت مکانی، طایفه‌گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.

۱- مقدمه و بیان موضوع

انتخابات بنیادی‌ترین شناسه دموکراسی است که در هر فضای جغرافیایی و سیستم سیاسی قاعده و اصول خاص خود و به شیوه‌های خاصی برگزار می‌شود. انسان سیاسی به مثابه نامزد انتخاباتی از اجزاء و مؤلفه‌های مهم و زمینه‌ساز فرایند انتخابات به شمار می‌رود به نحوی که بدون بازیگر سیاسی، رأی‌دهنده نمی‌تواند کنشی/انتخابی داشته باشد. علت‌کاوی عوامل مؤثر بر موفقیت کاندیدا در کارزار انتخاباتی گویای وجود مولفه‌ها و راهبردهای گوناگونی است به طوری که این سازمانی‌ها در هر حوزه انتخابیه‌ای، متفاوت و گوناگون است. برگزاری انتخابات و چگونگی نقش‌آفرینی نامزدهای انتخاباتی در فضاهای جغرافیایی جنوبی ایران که هنوز مردم ساکن در این زیستگاه، بخش کلانی از کیستی/Identity خود را از «زمین» در مقام مادر هويت بخش می‌ستاند، عمدتاً متأثر از گرایش‌ها و تمایلاتی است که چاشنی و خمیرمایه‌ای مکانی و سکونتگاهی دارد. زاگرس‌نشین‌ها به‌ویژه حوزه انتخابیه ممسنی نمونه تپیک مکان و مردمانی هستند که عوامل زمینی/مکانی نه تنها امور اجتماعی بلکه بستر سیاسی و بخصوص پیکار انتخاباتی آن را تمام سطوح پوشانده و رفتار رأی‌دهندگان و بازیگران انتخاباتی را جهت و معنا داده است. طایفه‌گرایی در انتخابات ممسنی نمونه بارز پیوند مکان و سیاست است که پشتوانه آراء نامزدهای انتخاباتی این حوزه انتخاباتی را عمیقاً شکل داده است. از این رو پژوهش پیش‌رو در جستجوی این حقیقت است که پایگاه رأی نامزدها را در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؟ در بیان فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد گرایش‌های مکانی/طایفه‌ای بر نتیجه دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی اثرگذار بوده است.

۲- روش پژوهش

در رابطه با ادبیات پژوهش (انتخابات ممسنی) تاکنون اندک نوشتارهایی وجود داشته است اما آنچه که پژوهش کنونی را با این نوشتارها متمایز و جدا می‌کند، تحلیل دقیق دور دهم انتخابات و تبیین مفهومی/نظری دو مقوله طایفه و طایفه‌گرایی به همراه نظریات مرتبط با آن است. بنابراین این مقاله از این حیث مستفیض از نوآوری و ابتکاری است. گردآوری اطلاعات و روش پژوهش، اسنادی/کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) و توصیفی - تحلیلی است.

۳- شالوده‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها

۱-۳- هویت مکانی

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیر مادی نیز برخوردار بوده و احساساتی را در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی^۱ می‌شود (Ahmadipor & Mirzaee tabar, 2010:47). هویت مکان در واقع نوعی ابراز وجود است که از معنای محیطی برای دلالت کردن یا تعیین هویت استفاده می‌کند (Hafez Nia & et. Al, 2012:195). هویت مکانی به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط میان انسان‌ها و مکان‌ها از رهگذر فرهنگ، نوع و ماهیت فناوری ساخت، نشانه‌ها و ویژگی‌های دیدمانی (بصری)

¹ . Place Identity

و کالبدی ادراک می‌شود. در واقع، بخشی از هویت منظر با کالبد گذشت مکان پیوسته است و زمانی که مکان‌های خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته از بین می‌روند، چشم‌انداز مکانی هویت‌مند نابود می‌شود؛ چشم‌اندازی که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته مکان را هویت‌مندتر کند (Hafez Nia & Kavyani Rad, 2014:207).

طایفه از آن رو ماهیت و فلسفه‌ای جغرافیایی دارد که در درجه نخست پدیده‌ای مکان‌دار و فضایی را روی زمین به خود اختصاص داده است. به عبارتی، معرف یک «عینیت جغرافیایی» یا «واقعیت مکانی- فضایی» و از موقعیتی مکانی و ساخت فضایی برخوردار است. بنابراین وجه مشترک جنین واحدهایی، مکان مرجع بودن آن‌ها است.

۳-۲- طایفه‌گرایی و نظریات جامعه‌شناختی

طایفه^۱، مجموعه یا گروهی از انسان ساکن در واحد زیستی/جغرافیایی است که در مقولات اجتماعی متعامل یا وابسته به هم هستند. طایفه یکی از آرکان‌های اساسی در سلسله مراتب ایلی و بنیادی‌ترین و مشخص‌ترین رده به شمار می‌رود. این گروه اجتماعی سنتی و پیشامدرن، دست کم در سه مقوله یعنی «قلمرو زیست مشخص»، «پیوندهای قومی و خویشاوندی» و «سنت و منافع مشترک» همسان و متشابه هستند. روابط در چنین گروه‌هایی، غیررسمی، اعضای یکدیگر را می‌شناسند و روابط و پیوندهای شخصی و احساسی نیرومندی بین آن‌ها برقرار است (Romina & Sadeghi, 2015:90).

طایفه، پدیده‌ای جغرافیایی است که در بستر تاریخ شکل گرفته است. طایفه‌گرایی^۲، پدیداری اجتماعی و سیاسی است که میل به گردهم‌آمدن در قالب اجتماع جهت حصول به اهداف سیاسی که همان طرفداری و رأی به نامزد انتخاباتی قلمرو زادگاهی و خویشاوندی خود است را دارد. از منظری دیگر، طایفه، «درون‌مایه» است که در متن‌های سیاسی/اجتماعی تبدیل به «فرم» (طایفه‌گرایی) می‌شود. از منظر جغرافیای بدن^۳، طایفه، «خویشتن» است که در هنگامه‌های خاص تبدیل به «نام‌نیک» می‌شود. به بیان دقیق‌تر، طایفه، «سکوت/چشم» است و طایفه‌گرایی، «کلام/زبان» (احساسات و عواطف قومی و خویشاوندی). طایفه به طور معمول، ذهن/درون است که در مواقع نارایج (مثل انتخابات) مبدل به دست و پا/حرکت/موومنت در قالب کنش سیاسی طایفه‌ای نمودار می‌شود. به لحاظ جامعه‌شناسی طایفه، خرده‌فرهنگ است و طایفه‌گرایی فرهنگ. آنچه که طایفه‌گرایی را فلسفه‌ای جغرافیایی بخشیده، احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه است. این احساس و تعلق روانی به مکان فضایی خاص، باعث تجمع و تمرکز آراء در قلمرو زیستی و هویتی نامزدها می‌شود. این مسلک در حوزه فلسفه اخلاقی و اجتماعی با هرگونه قرارداد اجتماعی جمعی (نه گروهی) مخالف و آزادی انسان ساکن در قلمرو زیستی را محدود می‌کند. به لحاظ فلسفه اجتماعی ضد سعادت بشری و آدمی را دربند تمدن سودجوی کنونی قرار می‌دهد در عین اینکه بازگشت به گذشته بنیان و شالوده آن

^۱. Tribe

^۲. Tribalism

^۳. اصطلاح جغرافیای بدن (Body Geography) برای اولین بار توسط آقای وحید صادقی و سید محمدحسین حسینی در کتاب زیر چاپ تحت عنوان مدارهای توسعه‌نیافتگی در شهرستان ممسنی استفاده و تبیین شده است.

را تشکیل می‌دهد. تلاش طایفه‌گرایان بر این است تا با پیروز کردن نامزدِ مطلوبِ خود، فرصتی را برای رشد و توسعه زیرساختی و انسانی قلمرو خود فراهم سازند (Sadeghi, 2014: 17).

همانطور که پیشتر گفته شد طایفه، گروه اجتماعی سنتی و کهنه‌بنیادی است، به طوری که می‌توان گفت یکی از کهن‌الگوترین واحدهای اجتماعی به شمار می‌رود. در این میان گروه‌های اجتماعی تقسیمات گوناگونی دارند. گاهی بر اساس درجه سازمان‌پذیری اجتماع از گروه‌های «رسمی و غیررسمی» یاد می‌شود. گروه غیررسمی از ارتباط تنگاتنگ و روابط فردی صمیمانه شکل می‌گیرد که البته، به هنگام جدایی اعضا از یکدیگر تغییر یافته یا از میان می‌رود. در مقابل، شکل‌گیری و دوام گروه‌های رسمی به اهدافِ گروهی مشخص و به شرایط بیرونی گروه بستگی دارد و در آن اختلاف نظرها و تفاوت سلیقه‌ها تحت‌الشعاع قواعد و مقررات ویژه قرار می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان از «گروه نخستین و گروه دومین» سخن گفت. گروه نخستین (گمیشافت^۱) گروهی است که فرد (عضو گروه) در آن متولد می‌شود (اتحاد نسبی) یا به طریقی با آن ارتباط می‌یابد (اتحاد سببی). از نمونه‌های گروه نخستین می‌توان از گروه خانودگی، {گروه قومی و طایفه‌ای}، گروه همسایگی و یا حتی گروه روستایی نام برد. به این ترتیب، گروه نخستین از افراد (اعضای) معینی تشکیل می‌شود که با یکدیگر روابط فردی و خصوص صمیمانه و مداومی دارند و با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای گروهی، رفتار اعضا کنترل و هدایت می‌شود. گروه دومین (گزلشافت^۲) که آن را گروه‌های هم‌پیوند نیز می‌نامند، اساساً از تعداد افرادی بیشتری تشکیل می‌شود. در این گروه‌ها، نسبت به گروه نخستین، روابط رسمی و کُنش متقابل محدودتر است و عضویت در گروه بر بنیاد تقاضا، انتخاب و پذیرش صورت می‌پذیرد. در جوامع با ساخت عشیره‌ای و طایفه‌ای معمولاً غلبه بر گروه‌های غیررسمی و گروه‌های نخستین است؛ به همین دلیل این گونه جوامع معمولاً جمع‌گرا، محافظه‌کار، بسته، همبسته، خانوادگی و طایفه‌ای و سنتی به شمار می‌روند (Saedi, 2012: 107). یک تقسیم‌بندی دیگر، «گروه درون‌گرا (خود) و برون‌گروه (غیرخود)» است. درون‌گروه (ما) عبارت از تعداد افرادی که فرد خود را متعلق به آن‌ها دانسته، در حضور آن‌ها احساس راحتی و خودمانی بودن می‌کند. احساس خودی (خودمانی بودن) که در یک گروه رشد می‌کند، معمولاً حاصل تجربه‌های مشترک و همگانی اعضای گروه است. برون‌گروه (گروه آن‌ها)، عبارت از افرادی است که شخص، بین خود و آن‌ها منافع مشترکی نمی‌بیند. چنین شخصی به ظاهر اطمینان دارد که به آن افراد تعلق ندارد. تقسیم‌بندی دیگر «جوامع باز و جوامع بسته» است. در جامعه باز ممکن است نابرابری‌های خاصی وجود داشته باشد، اما افراد آن از فرصت‌های اجتماعی مناسبی برای صعود به طبقه اجتماعی بالاتر برخوردار هستند. در چنین ساختی، افراد اگر لیاقت و پشتکار داشته باشند، می‌توانند به پایگاه‌های اجتماعی بالایی دست یابند. در جامعه بسته، پایگاه اجتماعی شخص در بدو تولد تعیین می‌شود و بدون تحرک به بالا و پایین، در همان پایگاه اجتماعی، تا پایان عمر، ثابت می‌ماند (Kohen, 2011: 127 & 319). به نظر می‌رسد ساخت

^۱. معرف اجتماع محلی و طایفه‌ای است.

^۲. معرف جامعه است.

قومی/طایفه‌ای حاکم بر ممسنی نمونه‌ای از جوامع غیررسمی، دومین، درون‌گروه و بسته است و افراد همه اقوام و طوایف در چنین فضای جغرافیایی، مجال چندانی برای تحرک اجتماعی صعودی ندارند.

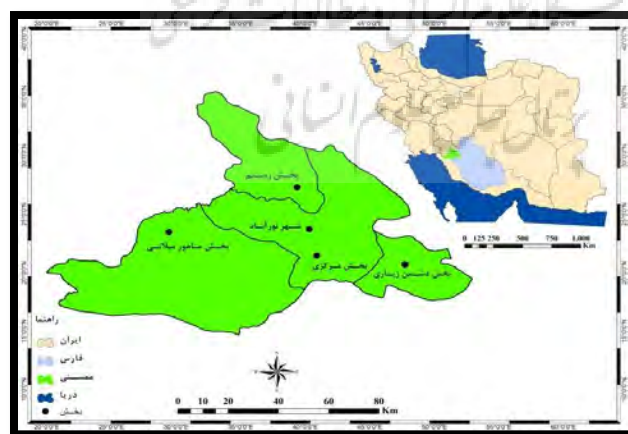
۳-۳- جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات^۱، به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه پرسشی‌ها، سازماندهی آن‌ها به‌ویژه نتایج‌شان می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اقتصادی و غیره را در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی مؤثر می‌داند (Muir, 2007: 255). جغرافیای انتخابات به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Hafez Nia & Kavyani Rad, 2014: 263). این شاخه از جغرافیای سیاسی با تأکید بر اینکه رأی‌دهندگان ترجیحات خود را در خلاء بیان نمی‌کنند و فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی تحت تأثیر درجات متفاوتی از متن‌ها (ملی، منطقه‌ای و محلی) قرار می‌گیرند، بر نقش مهم جغرافیا در انتخابات تأکید می‌کند (Mirahmadi & Mirheydar, 2017: 162).

۴- قلمرو تحقیق

ممسنی با مرکزیت «نورآباد»، سکونتگاهی بس‌کهن در استان فارس شامل سه گروه زبانی گری (اکثریت)، ترکی قشقایی (اقلیت) و عرب (اقلیت) با ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت است. این فضای جغرافیایی چهار بلوک قدرت را در سپهر سیاسی خود جای‌داده است. قدرتمندترین، بلوک بخش مرکزی با ۹۸۸۱۶ نفر جمعیت است که مکان زیست طوایف جاوید و بکش است. بخش (شهرستان) رستم، با ۴۴۳۶۱ نفر جمعیت در جایگاه دوم و دو بلوک دشمن‌زیاری و ماهور میلانی با داشتن ۹۳۲۶ و ۵۲۹۷ نفر جمعیت از کم‌پشت‌ترین نواحی جغرافیایی ممسنی به‌شمار می‌روند (Kavyani Rad & et. al, 2021: 153).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

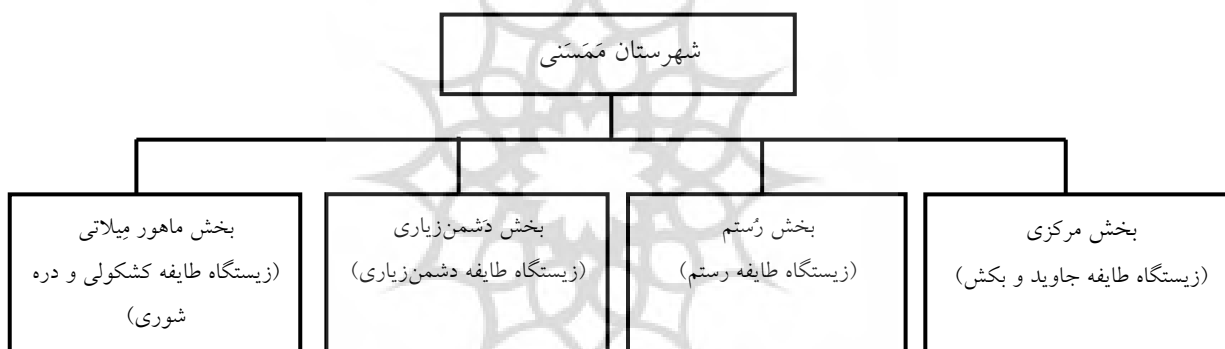


(Sadeghi, 2014: 54)

¹ . Electoral Geography

انسان ساکن در حوزه انتخابیه ممسنی، انسانی «دیارگرا و وُردطلب» است. این انسان در هنگامه‌های سیاسی بخصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی دچار «مستی درون» می‌شود به‌طوری‌که شور و شوق فزاینده‌ای درون آن را دربرگرفته و حس مکانی/زادگاهی و نیروی گرایش به مرکز در آن فوران و تسلط بر مرزهای زیستی/طایفه‌ای گسترش و بسط داده می‌شود. این انسان در زمان انتخابات بشدت ماهیت جغرافیایی به خود می‌گیرد و نه تنها امور سیاسی بلکه کنش اجتماعی آن تمام سطوح معطوف به جغرافیای زیستی می‌شود. با شکل‌گیری و بروز بُعد جغرافیایی انسان ممسنی و ترکیب بُعد سیاسی این انسان در مکانیسم انتخابات برای کسب قدرت سیاسی زمینه برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شدن این انسان فراهم می‌شود. اینجاست که انسان ممسنی در زمان انتخابات بیش از هر زمان دیگر موجودی ژئوپلیتیک/انسان ژئوپلیتیکی می‌شود. از شناسه‌های این انسان، قلمروطلبی و قلمروگستری است. با این حال اگر طغیان چنین هویت مکانی‌ای در پیوند با دیگر مؤلفه‌های اجتماعی و با مقیاسی فراتر از طایفه/زادگاه/قلمرو باشد می‌توانست بستر توسعه-یافتگی ممسنی را فراهم و بازساخت کند.

نمودار شماره ۱: چهار حوزه ژئوپلیتیک حوزه انتخابیه ممسنی



۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- انتخابات دور دهم مجلس شورای اسلامی و جستار تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای

دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۹۴ برگزار شد. در این انتخابات دهمین نماینده حوزه انتخابیه ممسنی برای دوره‌ای چهار ساله برگزیده شد. مجموعاً ۳۶ نفر در انتخابات دور دهم ثبت‌نام کردند که صلاحیت ۱۷ نفر یعنی مسعود گودرزی، عبدالرضا مرادی، مجید انصاری، سید یداله حسینی، نوذر شفیعی، نوذر بناوی، مسعود امیران، ناصر یوسفی اصل، محمد گودرزی، شکراله زارعی، فریدون زارع خفیری، حسین امیری، سید جعفر هاشمی، محسن پروین، محسن غلامی، ساسان سالاری و محمد محمودی مورد تایید قرار گرفت (جدول شماره ۱). از میان این ۱۷ نفر شکراله زارعی، حسین امیری، محسن پروین، نوذر بناوی، مسعود امیران و ناصر یوسفی اصل قبل از برگزاری انتخابات انصراف خود را از ورود به انتخابات اعلام و وارد کارزار انتخابات نشدند (Mamasani, 2016). Governorate اقدام شورای نگهبان در تایید صلاحیت ۱۷ نفر، از میان حدود ۳۶ نامزد نمایندگی مجلس، از

نکات جالب توجه این انتخابات بود. در بین اسامی تایید صلاحیت شده، نام دو تن از نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی یعنی عبدالرضا مرادی (نماینده دور هشتم) و نوذر شفیعی (نماینده دور نهم) که از منزلت اجتماعی تقریباً بالایی در جذب آراء در حوزه جغرافیایی شان (طایفه بکش) برخوردار بودند، به چشم می خورد. افزون بر تعدد نامزدها، از جمله شناسه های این دوره از انتخابات، تنوع روش های تبلیغاتی و بهره گیری از تبلیغات در فضای مجازی در کنار روش های سنتی تبلیغاتی (پلاکاردها، تراکت ها و بنرها) بود. پلت فرم های پیام رسان، شبکه های اجتماعی و تارنما های خبری گوناگون، در کنار انبوه وبلاگ ها و سایت های اینترنتی بر هیجان و شور فضای انتخابات دور دهم می افزود و حامیان نامزدها از مدت ها پیش از برگزاری انتخابات با بهره گیری از این ابزارها سعی در تبلیغ نامزد مطلوب خود می کردند. از مجموع ۱۱ کاندیدا، ۵ داوطلب از طایفه بکش، ۲ داوطلب از طایفه جاوید و ۴ داوطلب مُنتسب به طایفه رستم بود و بلوک دشمن زیاری و ماهور میلّتی نیز نامزدی در انتخابات نداشتند. همچنین از لحاظ جناح بندی و گرایشات سیاسی، مواضع سیاسی برخی از نامزدها از همان آغاز انتخابات مشخص بود و برخی از آنها مَشی سیاسی شان مشخص نبود.

با توجه به تعدد و کثرت داوطلب در درون طایفه بکش و رستم به نظر می رسد نوعی ناهماهنگی و اختلاف دیدگاه بر سر اجماع بر روی یک نامزد وجود داشت. در رابطه با اینکه چرا اجماع صورت نگرفت باید اذعان کرد که برخی از نامزدها برای نخستین بار پا به صحنه انتخابات گذاشته بودند و از این روی جهت شناخت هر چه بیشتر خود به رأی دهندگان و کسب معروفیت و شهرت برای کاندیدا شدن در انتخابات ادوار بعد، مُصر بودند در عرصه بمانند. در عین حال یکی از قوی ترین دلایل که باعث شد تا طایفه بکش هماهنگی و اجماع بر روی یک کاندیدا نداشته باشد این بود که همواره این طایفه خود را در مقابل طایفه جاوید می دید و از آنجایی که کاندیدای اصلی طایفه جاوید (محمد رنجبر) تایید نشده بود، در این دوره نتوانست همانند ادوار قبل خوش بدرخشد و نتیجه اینکه طایفه بکش، چون رقیبی (دیرینه) آن را تهدید نمی کرد، یکپارچه و همگرا نشد. همچنین با توجه به شکاف جغرافیایی و فرهنگی که در درون طایفه رستم وجود داشت اجماع بر روی یک داوطلب بعید به نظر می رسید. طوایف دشمن زیاری و ماهور میلّتی به دلیل نداشتن جمعیت لازم، پراکندگی جمعیت و دوری از مرکز (جغرافیایی)، از وزن سیاسی بالایی در رقابت های انتخاباتی برخوردار نیستند و دائماً در فرایند انتخابات نقش آراء شناور را بازی می کنند.

با این حال با توجه به شهرت و پیشینه سیاسی هر یک از نامزدها توان برآورد اینکه کدامیک از این نامزدها، محبوب و پُرزن و کدامین، پایگاه حمایتی کم شمارتری دارند، وجود داشت. رقابت در طایفه بکش بین سه کاندیدای اصلی این حوزه یعنی نوذر شفیعی، عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی در جریان بود و دیگر نامزدهای نوظهور یعنی محسن غلامی و ساسان سالاری به دلیل کم تر شناختگی و کم شهرت بودن، میزان پذیرش و پایگاه مردمی کمتری داشتند.

شفیعی در این دوره برعکس دور قبل رقبای پروزنی هم در قلمرو خود و هم در دیگر بلوک های قدرت داشت. از این رو دیگر خبری از شانس، معجزه و امدادهای غیبی نبود. همچنین با توجه به ضعف عملکردی این فعال سیاسی متناسب با منافع و مطالبات رأی دهندگان در چهار سال نمایندگی خویش، آشکار بود با بحران مقبولیت و کارآمدی روبه رو می شود،

این شد که شفيعی از گردونه رقابت خارج و هم‌اوردی بين عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی شکل گرفت. از آنجایی که مرادی تجربه یک دوره نمایندگی را در کارنامه خود داشت نسبت به گودرزی در طایفه بکش، شناخته‌تر و خوش‌اقبال‌تر می‌نمود و در نتیجه پشتوانه رأی بیشتری در این قلمرو زیستی داشت، به عبارتی، کاندیدای اصلی (بخش غمده) قلمرو بکش در این دوره مرادی بود و گودرزی با توجه به پیوند سببی (خویشاوندی از طرف همسر ایشان) که با طایفه جاوید داشت به نظر پایگاه رأی خود را در فضای جغرافیایی قلمرو جاوید دنبال می‌کرد و از این‌رو نامزد بخشی از بدنه (تیره) طایفه بکش و در واقع نامزد اصلی طایفه جاوید به نظر می‌رسید.

در بین طایفه رستم، رقابت بین سه کاندیدای تقریباً هم‌وزن مجید انصاری و سید یداله حسینی و سید جعفر هاشمی بود. با توجه به اینکه مجید انصاری یک دوره نامزد (دور نهم) انتخابات شده بود و توانسته بود آراء قابل ملاحظه‌ای را اخذ کند، از این‌رو با کسب تجربه انباشته سیاسی و نام‌آوری چشمگیر وارد مبارزات انتخاباتی شد و نسبت به دو نامزد دیگر یعنی سید یداله حسینی و سید جعفر هاشمی پایگاه حمایتی پُرشمارتری داشت. در بین طایفه جاوید کاندیدای سنگین‌وزن و مُتَنفَذ وجود نداشت؛ چراکه نامزد کاریزماتیک این طایفه یعنی محمد رنجبر نتوانست از هزارتوی درون/شورای نگهبان عبور و تایید صلاحیت شود.

با این توصیف از همان آغاز و قبل از شروع قانونی فعالیت‌ها و تبلیغات انتخاباتی گمانه‌زنی‌ها و آنچه در میان ساکنان و افکار عمومی اجتماع ممسنی جریان داشت گویای آن بود که پیکار بین دو کاندیدای حوزه جغرافیایی بکش و رستم یعنی عبدالرضا مرادی و مجید انصاری شکل می‌گیرد، لکن این پیش‌بینی به واسطه سرشکن شدن آراء در بین بازیگران طایفه رستم و همچنین تغییر و تحولاتی که در جناح‌بندی و طیف‌های سیاسی برخی از اکتیویست‌های انتخاباتی شکل گرفت، به‌درستی از آب درنیامد. در این دوره عبدالرضا مرادی و مجید انصاری، خود را به‌عنوان کاندیدای طیف سیاسی اصول‌گرا معرفی کردند و نیز سید جعفر هاشمی از طایفه رستم که انتظار می‌رفت به‌عنوان یک چهره اصلاح‌طلب معرفی شود، وارد لیست موسوم به امید و اصلاحات نشد، بنابراین انتظار می‌رفت نامزدی دیگر جانشین وی شود که هم‌مینطور هم شد و مسعود گودرزی با غنیمت شمردن فرصت، خود را به‌عنوان یک چهره فراطایفه‌ای و اصلاح‌طلب معرفی کرد و وارد لیست اعتدال و اصلاحات شد.

با ورود نام مسعود گودرزی در لیست موسوم به امید و اصلاحات و معرفی وی به‌عنوان کاندیدای جناح/نه طایفه، و فضا‌سازی‌های جهت‌دار پشت‌پرده این جریان سیاسی، معادلات منطقه به نظر تغییر کرده و موجی/جریانی از پایگاه حمایتی نه‌چندان شفاف و قَدَر در بین رأی‌دهندگان و افکار عمومی جامعه در جهت حمایت از وی شکل گرفت از این‌رو ایشان نتوانست از خود چهره‌ای تحول‌خواه و اصلاح‌طلب، یارِ مردم و همسو با سیاست‌های دولت (تدبیر و امید) نمودار دهد. بنابراین، رقابت نفس‌گیر بین عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی که هردو از یک جغرافیا و هویت (به لحاظ کُجایی و کیستی بودن) بودند^۱ از رو گرفت و این مسئله باعث شد، شور و اشتیاق مردم (تحریک عواطف و تعصب) برای حضور پای صندوق‌های اخذ رأی برانگیخته شود و با خانواده و خویشان به شعبات اخذ رأی هجوم‌آورند

^۱ مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به لحاظ جغرافیایی (کجایی) متعلق به بخش مرکزی و به لحاظ هویتی (کیستی) منتسب به طایفه بکش هستند.

و رأی‌شان را به نفع کاندیدای مطلوب خود به صندوق آراء ببندازند. از این رو، هر کدام از طوایف و قلمروهای جغرافیایی تلاش می‌کردند که با ایجاد و گسترش حوزه نفوذ و پایگاه رأی آوری، کانون استواری از جریان‌ها و افراد بانفوذ را بر گرد نامزد مطلوب خود فراهم آورند و نامزدهایی را که با آن‌ها قرابت مکانی یا جناحی (وابستگی محلی - جناحی) دارند، به گُرسی مجلس بنشانند. با وجود این هیچکدام از این نامزدها نتوانستند حائز کسب اکثریت آراء شوند و انتخابات بین مسعود گودرزی با کسب ۲۶۳۶۱ رأی و عبدالرضا مرادی با اخذ ۲۲۳۹۵ رأی به مرحله دوم کشیده شد (جدول شماره ۱).

پردازش رفتار انتخاباتی در مرحله اول انتخابات نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان نامزدهایی را که با آن‌ها از لحاظ هویتی و طایفه‌ای قرابت نزدیک‌تری داشته‌اند را انتخاب کرده‌اند، بنابراین خاستگاه تباری و دودمانی آراء نامزدها در مرحله اول انتخابات مجلس دهم قابل توجه است. آراء نامزدها نیز مؤید این مطلب است که به‌راستی عامل تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی هویت/مکان‌گرایانه است و با وجود اینکه برخی از نامزدها از طیف خاصی حمایت می‌کردند، لکن به نظر می‌رسد گرایشات جناحی و سیاسی آنچنان در افزایش پایگاه رأی آوری این نامزدها توانمند ظاهر نشده است به‌طوری‌که، همه داوطلبان در بین زادگاه و منطقه جغرافیایی طایفه خودشان که به نوعی حوزه نفوذ آن‌ها به شمار می‌رفت، رأی اول را اخذ کرده‌اند (جدول شماره ۲)، در صورتی‌که این رویدادها - که ریشه در هویت جغرافیایی و طایفه‌ای داشت - رُخ نمی‌داد، انتظار می‌رفت فرجام انتخابات به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد.

مرحله دوم انتخابات در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در حوزه انتخابیه ممسنی رسماً آغاز شد. در این مرحله با توجه به ساختار طایفه‌ای که در فضای جغرافیایی ممسنی وجود داشت، میزان مشارکت انتخاباتی ۱۷ درصد نسبت به مرحله اول کاهش پیدا کرد (جدول شماره ۵). در این مرحله تحرکات و فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدها در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی که از وزن محلی و مکانی بالا و بیشترین میزان جمعیت رأی‌دهنده را داشتند، صورت گرفت و هرکدام قسمتی از مناطق جغرافیایی را در قلمرو نفوذ خود قراردادند. به نظر می‌رسد تحرکات و فعالیت عبدالرضا مرادی در فضای جغرافیایی رستم و ماهور میلانی بیشتر نمود داشت و همین‌طور مسعود گودرزی در فضای جغرافیایی جاوید و دشمن‌زیاری بیشترین میزان آلوده‌شد و تکاپو را داشت. گودرزی که به نظر می‌رسید نسبت به مرادی در قلمرو جغرافیایی رستم کمتر فعالیت و نقش‌آفرینی داشته و بیشترین وقت و زمان کُنش‌گری خود را در سامان جاوید و دشمن‌زیاری سپری کرد، توانست تقریباً دو برابر رقیب خود در این منطقه رأی بیاورد (جدول شماره ۳). عبدالرضا مرادی که تقریباً بیشترین زمان فعالیت انتخاباتی خود را در منطقه رستم داشت، نتوانست به اهداف انتخاباتی خود که جذب حداکثر آرای این طایفه بود، برسد. این موضوع را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که با توجه به شایعه‌ای (خبر نادرست) که در مرحله اول انتخابات در رابطه با آرای مرادی مبتنی بر اینکه تخلفاتی در برخی از صندوق‌های رأی جهت حمایت از وی صورت گرفته و باعث افزایش رأی و صعود وی به جایگاه دوم شد^۱ که این مسئله در الگوی رأی

^۱ هر چند این موضوع، شایعه (خبر نادرست) بود، ولی بسیار شایسته تعمق و دقت بود. از این رو با توجه به شکایت مجید انصاری، فرمانداری ممسنی ملزم به بازشماری و اعلان برخی از صندوق‌های رأی مشکوک و چالشی شد که در نهایت صحت این صندوق‌ها مورد تایید قرار گرفت.

مرادی در بخش رستم اثرگذار ظاهر شد، چراکه بخش عمده‌ای از مردم طایفه رستم در این قضیه گله‌مند و کینه به دل گرفتند و این مسئله منجر شد تا در الگوی رأی مرادی اثرگذار باشد و بخش کثیری از رأی‌دهندگان منطقه رستم از سر کینه و لجبازی که از مرادی بر دل داشتند به ایشان روی نیاورند و به سمت گودرزی رفتند.^۱ شکست عبدالرضا مرادی اکنون به طور مستقیم نفوذ وی را در میان رأی‌دهندگان رستم زیر سوال برده است.

شاید این پرسش مطرح شود که چرا جاویدی‌ها به گودرزی روی آوردند و نه به مرادی؟ اولاً؛ جاوید و بکش با هم رقابت (تعارضات تاریخی جاوید و بکش در کارزار انتخابات) دارند، دوماً؛ گودرزی داماد این طایفه به شمار می‌رفت، سوم اینکه؛ ساکنان و نیروهای سیاسی جاوید، سکوت و جانبداری نکردن مرادی از قائدی در دور نهم را فراموش نکردند. اگر در آن بزنگاه حساس و مهم، مرادی زیرکی سیاسی خرج می‌داد و حالا که شفيعی را جایگزین (آلترناتیو) درخوری برای خود نمی‌دانست (از شفيعی دل خوشی نداشت)، شالوده استراتژی انتخاباتی خود را بر مبنای «نمک‌گیری» استوار و از کاندیدای منطقه جاوید حمایت می‌کرد اینجا بود که جاویدی‌های نمک‌شناس، وفادارتر از هر زمان ظاهر می‌شدند و جبران مافات می‌کردند. می‌توان گفت مرادی با خودداری از اعلام حمایت از قلمرو جاوید در واقع «خودکشی سیاسی» کرد. از دیگر سو، نارضایتی اجتماعی و ادراک اجتماعی بخش گسترده‌ای از مردم طایفه جاوید مبنی بر اینکه مرادی در دور نمایندگی خویش (دور هشتم) آن‌ها را در قدرت شریک و سهم نکرده و امکانات و تسهیلات لازم را برای فضای جغرافیای این طایفه فراهم نکرده پیش‌آمدی فزونتر تا بالاترین رأی را نسبت به دیگر طوایف به مسعود گودرزی بدهند.

در دیگر مناطق جغرافیایی که متناسب به بلوک مهور میلاتی و دشمن زیاری بود و نقش آراء سرگردان/شناور را بازی می‌کردند، مسعود گودرزی با توجه به قدرت بیان و قدرت چانه‌زنی بالا و نیز رایزنی‌ها و لابی‌گری‌های لازم با متنفذان و متمولان محلی این طوایف توانست بالاترین رأی را نسبت به مرادی در این مناطق جغرافیایی اخذ کند، چراکه در رقابت‌های انتخاباتی نیز زبان و لحن به‌کاررفته در سخنرانی‌ها و الگوهای تعاملی با رأی‌دهندگان از سوی کاندیدا بسیار اهمیت داشته و بر رأی آوری آن‌ها تاثیر زیادی دارد (Hafez Nia, 2017: 176) که این مهم، یکی از دلایل اساسی توفیق گودرزی در رقابت‌های انتخاباتی بود از این رو فرجام انتخابات با پیروزی مسعود گودرزی به اتمام رسید.

می‌توان نتیجه گرفت با وجود اینکه، نامزدها در این دوره از طیف خاصی حمایت می‌کردند، اما سیر کمی و کیفی رخدادها مبین این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پُرشمار و گسترده‌شان که در زیستگاه جغرافیای خود-شان ساکن هستند، بیشترین پشتوانه آراء را کسب کرده‌اند. این مهم حکایت از این دارد که انتخابات در این دوره، تابع تعصبات طایفه‌ای و فامیلی بوده است تا جریان‌های جناحی و سیاسی. از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء ماخوذه، مسعود گودرزی از طایفه بکش با کسب ۵۵۹۹۵ رأی (۶۰ درصد) به مجلس راه یافت (جدول شماره ۴ و ۵). از سوی دیگر، می‌توان

^۱ چراکه بخشی از مردم طایفه رستم بر این باور بودند که کاندیدای زادگاه خود یعنی مجید انصاری در واقع نفر دوم بوده است و عبدالرضا مرادی در این زمینه با تخلف به جایگاه دوم رسیده است.

^۲ مسعود گودرزی هرچند خود از سامان بکش بود، لکن با توجه به خویشاوندی که از طرف همسر خود با طایفه جاوید داشت، «داماد» این طایفه به حساب می‌آمد بنابراین مردم این فضای جغرافیایی با وی احساس قربت می‌کردند (پایگاه رأی خویشاوندی و طایفه‌ای).

برخی از مهم‌ترین سازه‌هایی (عواملی) که در پایگاه رأی آوری مسعود گودرزی مؤثر بودند را چنین برشمرد: ۱- نگرش‌ها و وابستگی‌های محلی/طایفه‌ای، ۲- تاثیر همسایگی و آراء مبتنی بر نیازهای محلی، ۳- هویت جغرافیایی (حوزه جغرافیایی سکونت)، ۴- خانواده و تبار خانوادگی، ۵- آراء از سر اختلاف و لجبازی، ۶- وابستگی‌های حزبی/جناحی (اصلاح‌طلب)، ۷- جغرافیای قدرت^۱، ۸- تحصیلات (دکترای علوم سیاسی). جمعیت واجد شرایط جهت شرکت در این انتخابات ۱۳۸۰۰۰ نفر و مجموع آراء شرکت‌کنندگان در مرحله اول و دوم انتخابات به ترتیب ۱۱۵۷۳۹ و ۹۲۰۳۲ نفر، یعنی به ترتیب ۸۳ و ۶۶ درصد از کل بود و از ۲۰۹ شعبه اخذ رأی مجموع کل آراء ماخوذه در مرحله اول و دوم انتخابات به ترتیب ۱۱۶۷۱۱ و ۹۲۴۶۶ رأی و آراء باطله به ترتیب ۹۷۲ و ۴۳۴ برگ بوده است (جدول شماره ۳ و ۵). همچنین از مجموع ۱۱ نامزد انتخاباتی از نظر تحصیلات ۵ نفر دکتری، ۳ نفر دانشجوی دکتری، ۳ نفر کارشناسی ارشد بوده است و از نظر شغلی ۳ نفر استاد دانشگاه، ۲ نفر قاضی، ۲ نفر فرهنگی، ۲ نفر کارشناس ارگان‌های دولتی، ۱ نفر پزشک و ۱ نفر وکیل بوده است. از نظر طایفه، طایفه بکش با ۵ نامزد (۴۵ درصد) بیشترین شمار داوطلب و طایفه جاوید با ۳ نامزد (۲۷ درصد) کمترین داوطلب را در این دوره از انتخابات داشتند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: آراء نامزدها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه	حوزه انتخابیه	تحصیلات	شغل	آراء نامزدها
۱	مسعود گودرزی	بکش	ممسنی	دکتری	استاد دانشگاه	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	ممسنی	دانشجوی دکتری	قاضی	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	رستم	ممسنی	دانشجوی دکتری	وکیل	۱۹۴۹۲
۴	سید یداله حسینی	رستم	ممسنی	کارشناسی ارشد	کارشناس صداوسیما	۱۳۹۷۶
۵	سید جعفر هاشمی	رستم	ممسنی	کارشناسی ارشد	کارشناس دبیرخانه تشخیص مصلحت نظام	۹۵۷۳
۶	نوذر شفیعی	بکش	ممسنی	دکتری	استاد دانشگاه	۸۷۳۵
۷	محمد محمودی	جاوید	ممسنی	دکتری	قاضی	۶۱۹۶
۸	محسن غلامی	بکش	ممسنی	دانشجوی دکتری	استاد دانشگاه	۲۷۷۹
۹	فریدون زارع خفری	جاوید	ممسنی	کارشناسی ارشد	فرهنگی	۲۴۶۰
۱۰	ساسان سالاری	بکش	ممسنی	دکتری	پزشک	۲۱۵۱
۱۱	محمد گودرزی	رستم	ممسنی	دکتری	فرهنگی	۱۶۲۱

Suorse: (Mamasani Governorate, 2016)

^۱ منظور تمامی نمایندگان ادوار قبل حوزه انتخابیه ممسنی است که در جرگه حمایت از مسعود گودرزی کوشش مضاعف کردند.

جدول شماره ۲: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله اول در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۲۰۰۸۲	۱۷۵۵	۳۰۵۴	۱۴۷۰	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۱۶۴۴۷	۲۵۴۵	۱۷۱۰	۱۶۹۳	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	رستم	۵۰۱۹	۱۳۸۸۳	۴۰۹	۱۸۱	۱۹۴۹۲
۴	سید یداله حسینی	رستم	۲۷۹۹	۱۰۴۴۷	۴۰۳	۳۲۷	۱۳۹۷۶
۵	سید جعفر هاشمی	رستم	۳۰۶۴	۶۲۲۷	۷۵	۲۰۷	۹۵۷۳
۶	نوذر شفیعی	بکش	۵۷۷۸	۱۱۴۶	۴۱۵	۱۳۹۶	۸۷۳۵
۷	محمد محمودی	جاوید	۶۰۹۶	۵۱	۴۴	۵	۶۱۹۶
۸	محسن غلامی	بکش	۲۳۰۷	۱۵۱	۱۵۴	۱۶۷	۲۷۷۹
۹	فریدون زارع خفری	جاوید	۲۴۲۰	۱۳	۱۹	۸	۲۴۶۰
۱۰	ساسان سالاری	بکش	۱۶۲۴	۵۳	۱۴۹	۳۲۵	۲۱۵۱
۱۱	محمد گودرزی	رستم	۲۴۰	۱۳۴۳	۲۷	۱۱	۱۶۲۱

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۳: میزان مشارکت در مرحله نخست دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			نام حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۳	۱۱۵۷۳۹	۱۳۸۰۰۰	ممسنی

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۴: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۳۲۳۱۳	۱۷۳۳۹	۳۸۸۹	۲۴۵۴	۵۵۹۹۵
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۲۲۹۵۰	۹۵۹۶	۱۷۵۵	۱۷۳۶	۳۶۰۳۷

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۵: میزان مشارکت در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

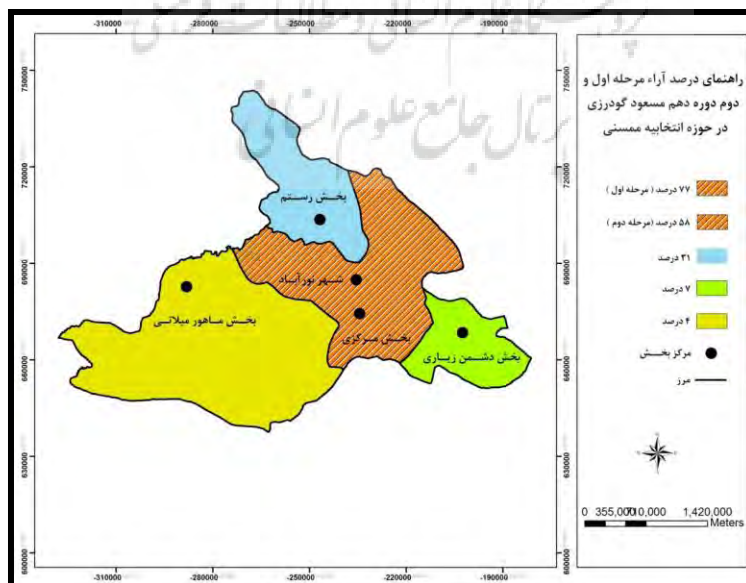
دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			نام حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۶۶	۹۲۰۳۲	۱۳۸۰۰۰	ممسنی

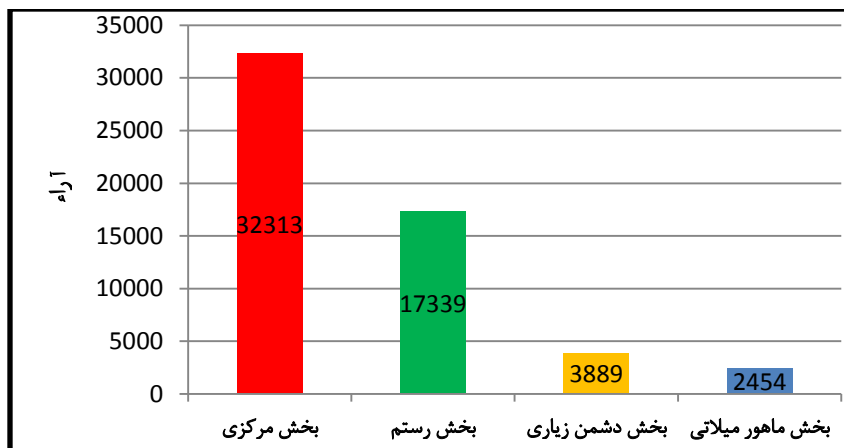
Suorse: (Mamasani Governorate, 2016)

در ادامه، تاثیر هويت جغرافيايی و طایفه‌ای بر میزان و توزیع رأی اکتیویست‌های دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی بررسی و تحلیل می‌شود.

۵-۱-۱- تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی آوری مسعود گودرزی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، مسعود گودرزی ۶۰/۸ درصد از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء را کسب کرده است. همانطور که در نقشه ذیل (نقشه شماره ۲) مشاهده می‌شود از نظر توزیع فضایی، مسعود گودرزی از مجموع آراء خود، با ۷۷ درصد در مرحله اول و ۵۸ درصد در مرحله دوم بیشترین پُشتیبان رأی را در بخش مرکزی که زیستگاه وی است، به دست آورده است. بخش مرکزی طایفه و زادگاه جغرافيايی مسعود گودرزی است و بسته به سایر بخش‌ها، مردم این قلمرو جغرافيايی، بالاترین رأی را به ایشان داده‌اند (نمودار شماره ۲). افزون بر این، باید به این نکته اشاره کرد، از آنجایی که مسعود گودرزی پیوستگی و پیوند سببی (خویشاوندی از طرف همسر) با طایفه جاوید دارد، از این رو، مردم این طایفه از آن به‌عنوان «داماد» طایفه خود یاد می‌کردند و خویشاوندی و قرابت بیشتری احساس می‌کردند و بالاترین رأی را نسبت به دیگر طوایف به ایشان دادند (نقشه شماره ۲). آراء گودرزی در زیستگاه و طایفه خود گویای آن است که رأی‌دهندگان به دلیل نوعی قرابت هويتي و تعلق خویشاوندی و مکانی و چه بسا منافع کوتاه‌مدت و یا درازمدت، به نامزد هم هويت خود رأی داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت، فرضیه اثرگذاری گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی مسعود گودرزی مورد تایید است.

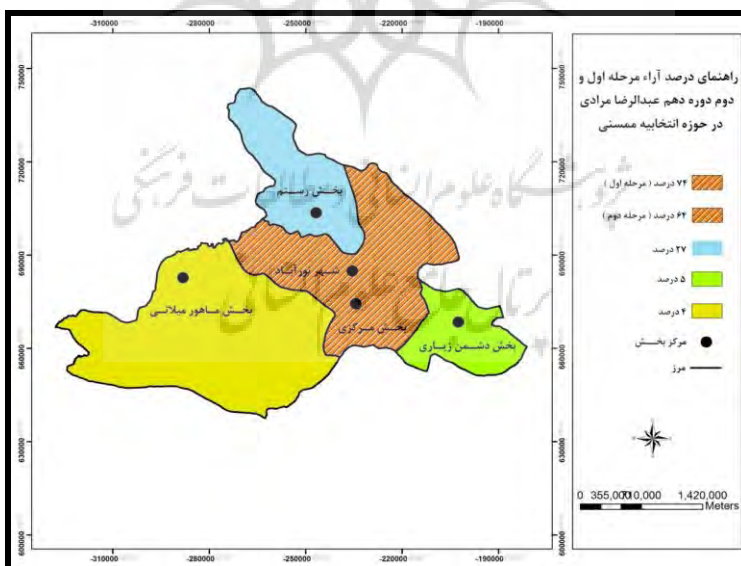




نمودار شماره ۲: آراء مسعود گودرزی^۱ به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

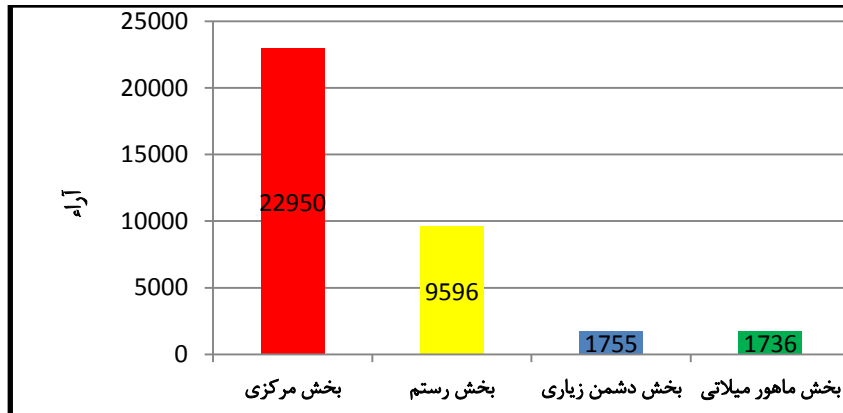
۵-۱-۲- تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی آوری عبدالرضا مرادی

بر پایه آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، عبدالرضا مرادی ۳۹/۲ درصد از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء را کسب کرده است. همانطور که در نقشه ذیل مشاهده می‌شود از نظر توزیع مکانی عبدالرضا مرادی از مجموع آراء خود، با ۷۴ درصد در مرحله اول و با ۶۴ درصد در مرحله دوم بیشترین پشتوانه رأی را در بخش مرکزی یعنی در طایفه بکش تحصیل کرده است (نقشه شماره ۳). در دیگر زیستگاه‌ها و حوزه‌های جغرافیای مختلف عبدالرضا مرادی آراء لازم را اخذ نکرده است (نمودار شماره ۳). این مسئله نشانگر این است که رأی‌دهندگان مصالح و منافع فرد و طایفه را بر منافع جمعی و کلان ترجیح داده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد خاستگاه تباری/خویشاوندی آراء مرادی در انتخابات مجلس دهم قابل توجه و اثرگذار بوده است.



نقشه شماره ۳: تمرکز آراء زادگاه عبدالرضا مرادی^۱ در بخش مرکزی

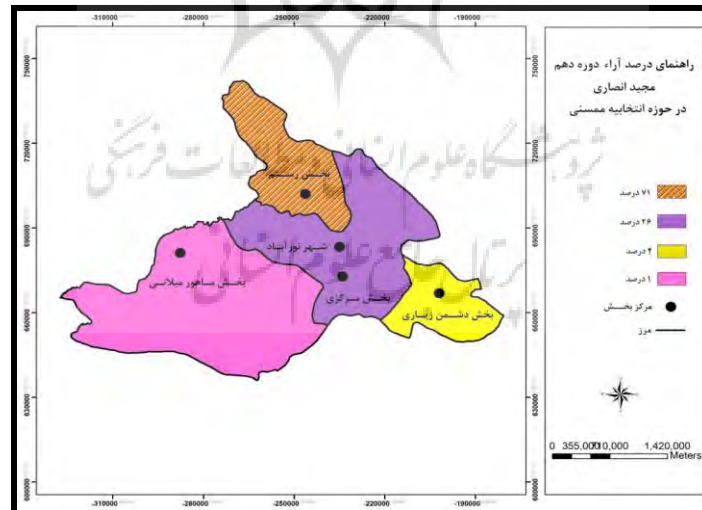
^۱ «مسعود گودرزی متعلق به حوزه جغرافیایی بکش (طایفه بکش) است»



نمودار شماره ۳: آراء عبدالرضا مرادی به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

۳-۱-۵- تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی آوری مجید انصاری

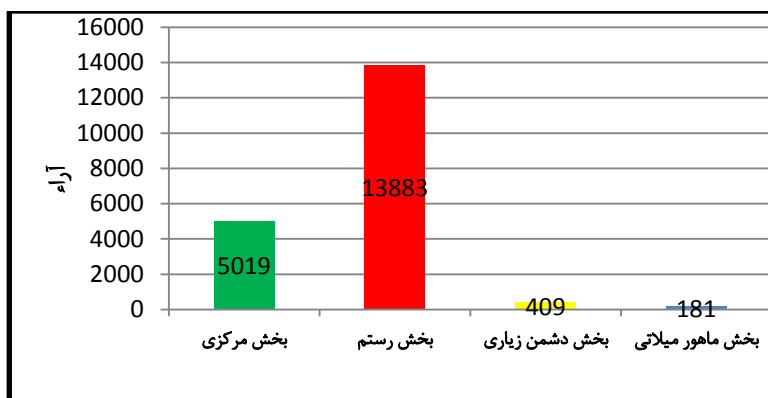
بر بنیاد آمار فرمانداری ممسنی، مجید انصاری ۱۶ درصد از مجموع ۱۱۵۷۳۹ آراء را اخذ کرده است. با توجه به نقشه ذیل، از نظر پراکنش جغرافیایی، مجید انصاری از مجموع آراء خود، با ۷۱ درصد بیشترین رأی را در بخش رستم یعنی در زادگاه خود احراز کرده است (نقشه شماره ۴). وی در دیگر بخش‌ها و نواحی جغرافیایی آراء لازم را دشت نکرده است و از این رو نتوانسته است به مرحله دوم راه پیدا کند (نمودار شماره ۴). بنابراین می‌توان گفت مردم طایفه رستم احساس قرابت و نزدیکی بیشتری به کاندیدای هم‌طایفه خود داشته‌اند و به همین مناسبت و بستگی، بیشترین رأی را نسبت به دیگر نامزدها به ایشان داده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد نگرش‌های محلی و طایفه‌ای در الگوی رأی مجید انصاری اثرگذار بوده است.



نقشه شماره ۴: تمرکز آراء زادگاه مجید انصاری^۲ در بخش رس

^۱ عبدالرضا مرادی متعلق به حوزه جغرافیایی بخش (طایفه بکش) است»

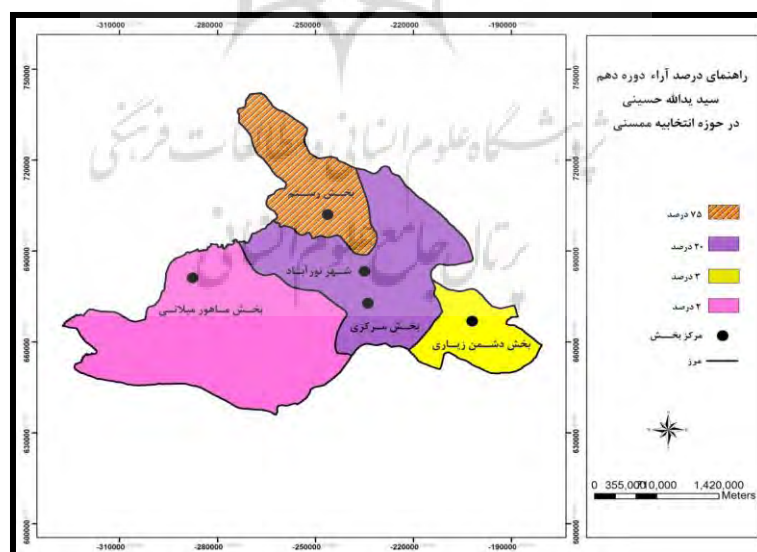
^۲ «مجید انصاری متعلق به حوزه جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»



نمودار شماره ۴: آراء مجید انصاری به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

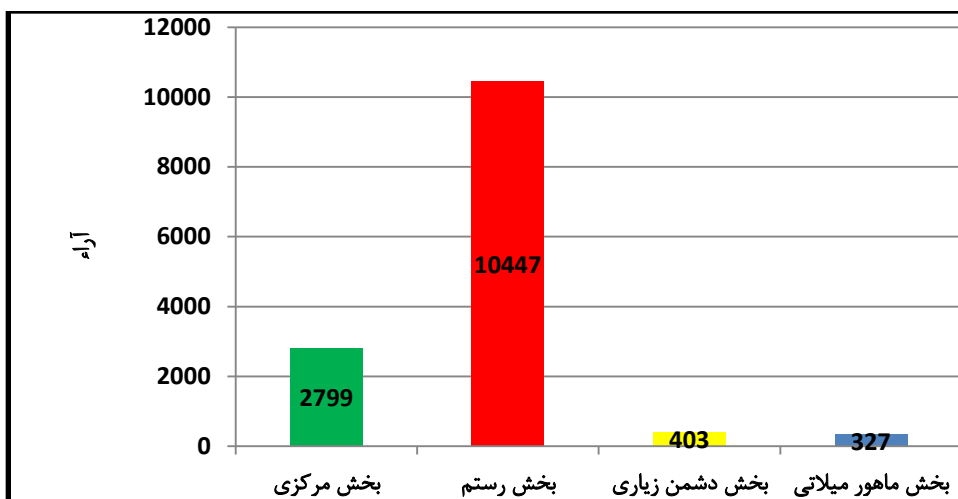
۵-۱-۴- تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی آوری سید یداله حسینی

بر مبنای آمار فرمانداری ممسنی سید یداله حسینی ۱۲ درصد از مجموع ۱۱۵۷۳۹ آراء را کسب کرده است. نقشه ذیل پخش فضایی آرای حسینی را در بخش‌های شهرستان ممسنی به تفکیک بر حسب درصد نشان می‌دهد (نقشه شماره ۵). از نظر نشر فضایی، این کنشگر از مجموع آراء خود، با ۷۵ درصد بیشترین رأی را در زیستگاه خود یعنی طایفه رستم اخذ کرده است و در دیگر مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی آرای لازم را به دست نیاورده است و بنابراین نتوانسته است به مرحله دوم انتخابات ورود پیدا کند (نمودار شماره ۵). این مسئله گویای این است که رفتار انتخاباتی ساکنان قلمرو جغرافیایی طایفه رستم سرشتی طایفه محور و گوهری داشته است. یعنی پایگاه رأی آوری سید یداله حسینی متأثر از گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بوده است.



نقشه شماره ۵: تمرکز آراء زادگاه سید یداله حسینی^۱ در بخش رستم

^۱ «سید یداله حسینی متعلق به حوزه جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»



نمودار شماره ۵: آراء سید یداله حسینی به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بنابراین می‌توان گفت انسان ممسنی در بند جغرافیای زیست خود در مقیاس زادگاه/محدوده طایفه است و تاکنون در عرصه سیاسی، کنش انتخاباتی را داشته/برگزیده که با انگاره‌های ذهنی و نیازهای محیطی متناسب بوده است. انتخاب و جذب این نوع رفتار انتخابی جغرافیامحور با مقیاس خرد/ناحیه‌محور، نه تنها ناراحتی‌هایی را برای این انسان فراهم کرده بلکه به کل حوزه انتخابیه ممسنی را کم‌پرستیژ/وزن و توسعه‌نیافته (انسانی/فرهنگی/سیاسی/اقتصادی) کرده است. راه نجات انسان ممسنی، رهایی/Emancipation است. رهایی از جذب آن دست کنش سیاسی که مقیاس فضایی محدود و نافراگیر دارد. گزینش زیستگاه (ممسنی) به جای زادگاه (طایفه/تیره/...) و خلق رفتار سیاسی با مقیاس فراطایفه-ای/ممسنی‌محور می‌تواند «رهایی‌بخش» و زمینه رشد و بالندگی حوزه انتخابیه ممسنی را فراهم کند. بنابراین رهایی^۱ در مقام قوی‌ترین نیرو در قانون جذب، انسان ممسنی را مترقی و پرمزلت می‌سازد. فرجام رها کردن طایفه‌گرایی، «توسعه» است.

۶- نتیجه‌گیری

جغرافیای انتخابات، در مقام یکی از گرایش‌های دیرپای جغرافیای سیاسی به واگشایی تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی می‌پردازد. مقوله طایفه‌گرایی بازتاب هم‌اندیشی ساکنان گستره‌ای سکونتگاهی خاص است که احساس برآمده از آن، بالقوه زمینه کنش‌های اجتماعی و هماهنگ آنان به شمار می‌رود. به دیگر سخن، جستار طایفه-گرایی برآیند گونه‌ای رفتار انتخاباتی به شمار می‌رود که عموماً رأی‌دهندگان منافع محلی، گذرا و فردی را بر منافع فراگیر، دیرپا و گروهی برتری می‌دهند. پدیده طایفه‌گرایی از جمله سازمایه‌هایی است که بر الگوی رفتار سیاسی رأی-دهندگان در انتخابات تاثیر دارد. در ایران و بخصوص در مناطق پیرامونی کشور که عمدتاً بافتار ایلی و عشیره‌ای دارند، علقه‌ها و نگرش‌های دودمانی و طایفه‌ای، پُربسامدترین نوع کنش زیستی به شمار می‌رود. شهرستان ممسنی از جمله

^۱ رهایی از رفتار اجتماعی خرد/طایفه‌محور و جذب رفتار زیستی کلان‌محور/ممسنی‌محور.

فضای جغرافیایی است که برخوردار از ساختاری عشیره‌ای و طوایف کثیر و مختلفی نظیر رستم، دشمن‌زیاری، جاوید، بکش و ماهور میلاتی را در خود جای داده است. این فرم سنتی و گروه‌های اجتماعی طایفه‌ای، منجر به این شده تا رفتار انتخاباتی ساکنان و رأی‌دهندگان این حوزه انتخابیه، ماهیت و سرشتی قومی/طایفه‌ای داشته باشد. در دوره دهم انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی با وجود اینکه نامزدها از طیف سیاسی خاصی حمایت می‌کردند، اما آمارها بیانگر این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پُر شمار و گسترده‌شان که در زیستگاه جغرافیای خودشان ساکن هستند، بیشترین پشتوانه آراء را کسب کرده‌اند. این مهم حکایت از این دارد که پایگاه رأی آوری نامزدها در دوره دهم، مضمون و درونمایه‌ای مکانی و طایفه‌ای داشته است تا فرمی طیفی و سیاسی. به عبارتی، واگشایی نتایج دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی، نشان داد که پایگاه رأی آوری نامزدها در شهرستان ممسنی بیش از آنکه تابع فرایند کلان دموکراسی باشد پیرو بازتولید رقابت‌های سنتی طایفه‌ای است. از این رو، شاهد برآمدن نمایندگان از این حوزه انتخابیه هستیم که بخش عمده آراءشان سرشتی جغرافیایی و طایفه‌ای دارد. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر نتیجه دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی تایید می‌شود. دستاوردهای این پژوهش ضمن نوآوری که داشته است، تایید و تکمیل‌کننده یافته‌های مقاله‌ای است به نام «بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ مطالعه موردی شهرستان ممسنی» که در سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴ در فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک به چاپ رسیده است.^۱ مقاله مذکور به تحلیل نه دوره انتخابات در ممسنی پرداخته است ولی پژوهش پیش‌رو با پردازش دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مکمل مقاله نامبرده است. همچنین مقاله نامبرده ضمن تبیین نظری دو متغیر طایفه و طایفه‌گرایی، نظریات مرتبط با مسئله را تبیین نکرده است که پژوهش کنونی از عهده چنین کاری به‌درستی برآمده است. بنابراین مقاله پیش‌رو از دو جنبه: نخست؛ تحلیل ژرف دور دهم انتخابات و دوم؛ تبیین دقیق‌تر متغیر اصلی پژوهش یعنی طایفه‌گرایی به همراه بسط جامع نظریات مرتبط با طایفه-گرایی، مکمل مقاله نامبرده است.

کتابنامه

1. Ahmadipour, Z., & Mirzaetabar, M., (2010). The role of sense of place in the political organization of space. *Geographical Journal of Environmental Studies*, 4(12), 47-62. [In Persian].
2. Hafez Nia, M.R., & Kavyani Rad, M., (2014). *Philosophy of political geography*. Iran, Tehran: Publications of the Research Institute of Strategic Studies. [In Persian].
3. Hafez Nia, M.R., (2017). *Principales and concept of Geopolitics*. Iran, Mashad: Publication of pupoli. [In Persian].
4. Hafez Nia, M.R., et.al. (2012). *Politics and space*. Iran, Mashhad: Publication of pupoli. [In Persian].
5. kavyani Rad, M., Sadeghi, V., & Hoseini, S.M.H., (2021). Geopolitical explanation of Tribe relations in Mamsani constituency, 17(1), 177-145. [In Persian].
6. Kohen, B., (2011). *Principles of Sociology*. (tavasoli, K., & fazel, R., Trans.). Iran, Tehran: SAMT. [In Persian].

^۱ این مقاله توسط نویسندگان پژوهش پیش‌رو چاپ شده است.

7. Mamasani Governorate. (2016). Minutes of the meeting report on the results of the first and second stages of the 10th term of the Islamic Council elections in Mamsani constituency. [In Persian].
8. Mirhedarm D., & Mirahmadi, F.S., (2017). *The course of thought in traditional and modern political geography (1897 to the late 1980s)*. Iran, Tehran: Publication University of Tehran, [In Persian].
9. Romina, E., & Sadeghi, V., (2015). Study the impact of tribalism on the voting pattern (case study: Mamsani city). *Journal of Geopolitics*, 11(3), 84-116. [In Persian].
10. Sadeghi, V., (2014). Study the impact of tribalism on the voting pattern (case study: Mamsani city), Unpublished Master's Thesis, under the guidance of Mohammad Reza Hafez-Nia, Tehran, Department of Political Geography, Tarbiat Modares University. [In Persian].
11. Saedi, A., (2012). *Basics of rural geography*. Iran, Tehran: SAMT. [In Persian].

